



خطر آفرینی برای شهروندان در بهسازی پیاده‌روها

عکس‌هایی که دیده می‌شود، مربوط به خیابان احمد قصیر تهران است، جایی که مدتی است شهرداری ناحیه ۵ منطقه ۶ شهرداری تهران در آن مشغول بهسازی است، اما هم‌زمان با بهسازی اصلا به فکر برقرار کردن مسیری امن برای رهگذران نیست و شهرداری‌ها بدون توجه سلامت شهروندان فقط به فکر عملیاتی کردن پروژه‌هایشان هستند. در همین عکس روشن است که خیلی از رهگذران چاره‌ای ندارند به جز اینکه از پستری خیابان برای تردد استفاده کنند، اما شهرداری به خوبی می‌داند که پستری خیابان‌ها هم توسط خودروها به صورت دوبله و سوبله اشغال شده‌است، بنابراین در چنین وضعیتی بروز هر سانحه‌ای بعید به نظر نمی‌رسد.

اگر رهگذری در چنین وضعیتی دچار سانحه یا حادثه شود چه کسی می‌خواهد جوابگو باشد؟ روشن است شهرداری‌ها بدون در نظر گرفتن پیوست‌های ترافیکی دست به فعالیت‌های عمرانی می‌زنند و چشم‌هایشان را به چشم‌هایی که متوجه شهروندان می‌شود، می‌بندند. در همین خیابان احمد قصیر بعد از اینکه بخشی از پیاده‌روها بهسازی شد تا مدت‌ها خاک‌های باقیمانده در کف پیاده‌روها برقرار بود، بدون اینکه رفتگری آنجا ر جارو کند.

تولیدکنندگان مواد غذایی حق استفاده از اتباع راندارند

بازرس سازمان بازرسی کل کشور گفت: تولیدکنندگان مواد غذایی حق استفاده از اتباع خارجی اعم از مجاز و غیرمجاز را ندارند.

به گزارش ایسنا، آفیسین سپه‌راب‌خان در نشست خبری گفت:

اتوسرویس‌ها و اتحادیه حمل و نقل درون شهری ساماندهی شده و با نصب شماره تماس، غیرمجازها را از محدوده خارج کردیم. وی ادامه داد: در خصوص اتباع غیرمجاز که در مراکز تولیدی حضور دارند، هشدار دادیم، و اعلام می‌شود واحدهای تولیدی و صنعتی اگر از اتباع غیرمجاز استفاده کنند با آنها برخورد می‌شود. تولیدکنندگان مواد غذایی حق استفاده از اتباع خارجی اعم از مجاز و غیرمجاز را ندارند و در صورت مشاهده بازرسان، کالاهای تولید شده غیراستاندارد و غیربهداشتی به جامعه معرفی خواهد شد.

سرقت میلیاردی حسابدار فریبکار از گلفروشی

سروکلانتر دوم پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری حسابدار یک مغازه که یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان را به حساب‌های خودش و او ریز کرده بود، خبر داد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ محمد افشار گفت: چند روز قبل صاحب یک گلفروشی وارد کلاکتری ۱۳۸ جنت‌آباد شد و علیه حسابدار مغازه شکایت کرد.

وی ادامه داد: این گلفروش با بررسی حساب‌های مغازه‌اش متوجه شده مبلغ زیادی از درآمدش سرقت شده‌است.

سرهنگ افشار گفت: مأموران پلیس با اطلاعاتی که شاکعی در اختیارشان گذاخت در این باره تحقیق و حسابدار ۳۱ ساله را بازداشت کردند که در بازجویی‌های فنی اعتراف کرد در مدت ۱۴ ماه یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان از درآمد گلفروشی را به حساب خودش واریز کرده‌است.

به گزارش «جوان»، سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: چندی قبل زنی به مأموران پلیس آگاهی تهران خبر داد که دو کودک خردسالش گم شده‌اند. شاکعی گفت: مدتی قبل در حالی که صاحب دو کودک خردسال بودم از شوهرم طلاق گرفتم و سرپرستی بچه‌ها را که دختر و پسر هستند هم خودم به عهده گرفتم. ساعتی قبل در حالی که بچه‌ها داخل خانه بودند، برای خرید خانه را ترک کردم. وقتی برگشتم دیدم از بچه‌ها خبری نیست. با توجه به حساسیت ماجرا، کارآگاهان اداره یازدهم در این باره تحقیق کردند. آنها در اولین کام با بررسی دوربین‌های ساختمان‌های اطراف متوجه شدند لحظاتی بعد از خارج شدن شاکعی از خانه‌اش، زنی میانسال وارد ساختمان شده و همراه دو کودک آنجا را ترک کرده‌است. شاکعی بعد از دیدن تصویر زن، او را به عنوان مادرشوهر سابقش شناسایی کرد، بنابراین زن میانسال بازداشت شد.

او در باجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: مدتی قبل عروسم با گرفتن مهریه مستگین طلاق گرفت و به دنبال زندگی خودش رفت. پسرم به بچه‌ها وابستگی زیادی داشت که بعد از حادثه تحمل وضعیت برایش سخت بود، برای همین به فکر انتقام از عروسم اقدام، روز حادثه وقتی او از خانه بیرون رفت، وارد ساختمان شدم و بچه‌ها را به پهنانه رفتن به پارک با خودم بردم. با اطلاعاتی که وی در اختیار پلیس گذاشت، دو کودک به مادرشان تحویل داده‌شدند. بررسی‌های بیشتر پلیس در این باره جریان دارد.

اطلاع‌رسانی برخط در خدمت انضباط ترافیکی پایتخت

■ **حسین قمیبحی** از دست رفتن فرصت‌های زندگی در ترافیک‌های سنگین و تراز سوانح رانندگی در معبرهای پرخطر تهران، ضرورت استفاده از فناوری‌های نوین گه با کمک هوش مصنوعی داده‌های مسیرها را در اختیار کاربران قرار می‌دهد، گزینهای ناگزیر است.

این روزها استفاده از هوش مصنوعی انقلاب بزرگی در زندگی اجتماعی ایجاد کرده‌است، به طوری که دسترسی به داده‌های مورد نیاز کاربران را بیش از هر زمان دیگری سهولت بخشیده‌است، به طوری که هر چه زمان می‌گذرد، شگفتی‌های بیشتری در لحظه خلق می‌شود. با وجود اینکه خلق این شگفتی‌ها در لحظه صورت می‌گیرد و منجر به سهولت زندگی اجتماعی می‌شود، اما شاهدیم که تکاپوی مردم برای رفع نیازهای‌شان هم شدت بیشتری می‌گیرد و این پرسش مطرح می‌شود که چرا با وجود امکان دسترسی به همه این فناوری‌ها انسان امروز خسته‌تر از انسان چند دهه قبل نیازهای خود را جست‌وجو می‌کند.

راه و وسیله نقلیه در عین حال که به خدمت انسان درآمده‌اند، اما در مواقعی بلاای جان انسان هم می‌شوند. در پایتخت هر چه می‌گذرد تراکم‌انسان، ساختمان و وسایل نقلیه شدت بیشتری می‌گیرد و کاربران راه‌ها برای رسیدن به مقاصد خود فرصت‌های بیشتری از عمر خود را در ترافیک‌ها هدر می‌دهند. این اتفاق در حالی صورت می‌گیرد که استفاده از اپلیکیشن‌های مسیریاب منجر به صرفه‌جویی فرصت‌های بی‌شماری شده‌است، اما انسان عصر امروز برای انجام یک سفر امن در ترافیک سنگین و سهمگین تهران که با آلودگی‌های محیطی هم همراه است به داده‌های بیشتری نیاز دارد. اولین موضوع اطلاع‌رسانی درست درباره نرم‌افزارهایی است که با کمک پلیس باید به کاربران راه عرضه شود. عمده‌ترین موضوعی که می‌تواند به این امر کمک کند، فرهنگ‌سازی عمومی برای آگاهی‌بخشی به کاربران راه است، با این حال پلیس باید همه اطلاعات مسیریها را با کمک هوش مصنوعی در قالب اپلیکیشن‌هایی که توسط مهندسان طراحی و اجرا می‌شود برای اختیار کاربران قرار دهد. اپلیکیشن‌هایی که عملکرد آن درمبنای داده‌های اطلاعاتی است که فقط پلیس به آن



دسترسی دارد. مثلاً اینکه بیشترین سوانح رانندگی در کدام خیابان‌ها اتفاق می‌افتد از همین‌رو وقتی راننده‌ای مثلاً قصد تردد از یک بزرگراه را دارد در او هشدار داده شود در کدام نقطه سوانح مرگبار بیشتری اتفاق می‌افتد، در کدام مسیر احتمال بروز سوانح جرحی بیشتر است، در کدام منطقه حادثه‌خیز است یا امکان عبور رهگذران از آن وجود دارد، در کدام نقطه رانندگی شب هنگام خطرناک است یا روشنایی کاملی ندارد. هر حادثه رانندگی که اتفاق می‌افتد، پلیس علت آن را بررسی می‌کند و از آنجا که پلیس تنها مرجعی است که به همه داده‌ها دسترسی دارد، می‌شود با استفاده به بانک اطلاعات پلیس از بروز سوانح بیشتری جلوگیری کرد.

■ **مدیریت سنتی کاربرد ندارد** سررتیور حسینی، رئیس پلیس راهور فراچارز گذشته در مراسم افتتاح مرکز جامع اطلاع‌رسانی برخط ترافیکی پلیس راهور تهران به چالش‌های فراوان ترافیکی تهران اشاره کرد و گفت: «روزانه بیش از ۲۰ میلیون تردد در تهران اتفاق می‌افتد و اگر هر فرد تنها یک ساعت از زمان خود را در ترافیک تلف کند، این به معنای ۲۰ میلیون نفر– ساعت اتلاف وقت در روز است که این اتلاف وقت نه تنها بر زندگی روزمره مردم تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی و

سلامت جامعه هم تأثیر دارد که نشان دهنده ضرورت ایجاد راهکارهای مؤثر برای مدیریت ترافیک است.» سردار حسینی تأکید کرد که مدیریت ترافیک با روش‌های سنتی دیگر ممکن نیست و برای رسیدن به اهداف خود، نیاز به هم‌افزایی و مدیریت یکپارچه داریم و بدون این رویکرد، نتیجه‌ای جز خستگی پلیس و نارضایتی عمومی نخواهیم داشت.»
■ **اطلاع رسانی برخط** رئیس پلیس راهور فراجا با بیان اینکه مرکز جامع اطلاع‌رسانی برخط ترافیکی به عنوان یک سنکوی هوشمند و برخط، اطلاعات لحظه‌ای از وضعیت ترافیک، ساخت‌وسازهای عمرانی و حوادث ترافیکی را به شهروندان ارائه می‌دهد، گفت: این مرکز به‌طور ۲۴ ساعته در حال فعالیت است و هدف آن افزایش آگاهی عمومی و بهبود تصمیم‌گیری‌های روزمره رانندگان است، به طوری که شهروندان می‌توانند با استفاده از این سنکوی پیش‌از خروج از منزل از وضعیت ترافیکی و خطرات احتمالی مطلع شوند و با برنامه‌ریزی بهتری سفر کنند.» وی همچنین به اهمیت آموزش و اطلاع‌رسانی به مردم درسیاره، موضوعات ترافیکی اشاره کرد و گفت: «بسیاری از مردم از قوانین و حقوق خود در ترافیک آگاه نیستند و این مرکز می‌تواند در احقاق حقوق آنها بسیار مؤثر باشد.»

حکم مرگ ۴ مجرم اجرا شد

لیاس آوردنمک به خانه آنها رفتم. برادرزاده‌ام پشت میز کامپیوترش بود و زن برادرم هم برای من میوه آورد. چاقو را برداشتم و به جان برادرزاده‌ام اقدام و بیش از ۵۰ ضربه به او زدم که مارش را اتاق رفتن شد و او را هم زخمی کردم. وقتی می‌خواستم فرار کنم پدرم از راه رسید و راه مرا سد کرد که او را هم با چاقو زدم.»

متهم پس از اعتراف در دادگاه به قصاص محکوم شد و رای دادگاه هم برای اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی فرستاده شد. متهم سال قبل پای چوبه دار رفت و اولیای دم با تلاش تیم صلح و سازش به او مهلت دادند، اما سحرگاه دیروز برای دومین بار پای چوبه دار رفت و برادرش حکم قصاص را اجرا کرد.

■ **اختلاف مرگبار ۲ همسایه** دومین محکوم به قصاص که سحرگاه دیروز حکمش اجرا شد، مرد میانسالی بود که سه ساعتی پس از درگیری یکی از همسایه‌هایش را به قتل رسانده و جسد او را آتش زده بود.

روز ۱۰ مهرماه ۱۴۰۰ به مأموران کلانتری انقلاب خبر رسید دو همسایه درگیری خونینی را رقم زده‌اند. وقتی مأموران به محل حادثه در اطراف خیابان دکتر قریب رسیدند با جسد سوخته شده مرد ۴۰ ساله‌ای به نام کریم روبه‌رو شدند که ابتدا با اصابت ضربات چاقو به قتل رسیده بود.

بررسی‌ها نشان داد کریم از مدتی قبل با یکی از همسایه‌هایش به نام سیروس اختلاف پیدا می‌کنند تا اینکه لحظاتی قبل با هم درگیر می‌شوند و سیروس او را به قتل می‌رساند و جسدش را آتش می‌زند.

با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران سیروس را به دستور بازپرس جنایی بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. متهم در بازجویی‌ها به قتل مرد همسایه اعتراف کرد. وی گفت: «کریم همسایه ما بود و همیشه در کارهای من دخالت می‌کرد و همین موضوع باعث اختلاف ما شده بود. روز حادثه با هم در گیر شدیم که او را با چاقو زدم و سپس روی جسدش بنزین ریختم و آتش زدم.»

متهم روز در دادگاه بر قتل در دادگاه محاکمه و به قصاص محکوم شد. سحرگاه دیروز اولیای دم قاتل را قصاص کردند.

■ **قتل پدر** وی گفت: «مدتی بود با برادرم اختلاف داشتم و به او حسادت می‌کردم. من تصمیم داشتم دختر برادرم را به قتل برسانم، به همین خاطر یک روز قیصل از حادثه برای اجرای نقشه‌ام به خانه برادرم رفتم. اما پدرم آنجا بود و موفق نشدم. روز حادثه دوباره به پهنانه اینکه برای پدرم

صاحب مغازه موبایل فروشی سردهسته سارقان بود

■ **غلامرضا مسکنی**

صاحب یک مغازه موبایل فروشی که با همدستی سه عضوپانده‌ش دست به سرقت‌های سریالی گوشی‌های تلفن همراه می‌زدند، بازداشت شد. همدستان متهم تحت تعقیب قرار دارند.

چندی قبل دختر جوانی در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و از مرد موتور سوار به اتهام سرقت گوشی تلفن همراهش شکایت کرد.

وی گفت: «در یکی از خیابان‌های شرقی از محل کارم بیرون آمدم تا به خانه‌مان بروم. کنار خیابان منتظر تاکسی بودم که تلفن همراهم زنگ خورد، وقتی گوشی‌ام را از کیفم بیرون آوردم، موتورسیکلتی با دو سرنشین به من نزدیک شد و ناگهان تر کنشین آن گوشی‌ام را از دستم قاپید و فرار کرد.»

■ **شکایت‌های سریالی**

با شکایت دختر جوان، مأموران تحقیقات خود را به دستور بازپرس دادسرای ویژه قریب برای شناسایی عاملان سرقت آغاز کردند. مأموران در بررسی دوربین‌های مدارسته متوجه شدند سارقان برای اینکه شناسایی نشوند، نقاب به صورت داشته و پلاک موتورشان را هم مخدوش کرده‌اند.

تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت و مأموران با شکایت‌های مشابه دیگری روبه‌رو شدند که بررسی‌ها نشان داد چهار مرد نقابدار در گروه‌هایی دو و چهار نفری با موتورسیکلت تلفن همراه شهروندان را در پشت چراغ قرمز و داخل خیابان‌های خلوت سرقت می‌کنند.



■ **تماس دختر جوان**

در حالی که هر روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شد، دختر جوانی با اداره پلیس تماس گرفت و آدرس باتوق سارقالی حرفه‌ای را در مغازه موبایل فروشی را در یکی از خیابان‌های غربی تهران به مأموران داد.

وی گفت: «صاحب مغازه پسر جوانی به نام تیمور است که همراه دوستانش هر روز به سرقت می‌رود و تلفن‌های سرقتی را در مغازه‌اش می‌فروشد.»

با اطلاعاتی که دختر جوان در اختیار مأموران قرار داد، تیمی از کارآگاهان مبارزه با سرقت موبایل راهی مغازه موبایل فروشی شدند. مأموران داخل مغازه تعداد زیادی موبایل سرقتی کشف و تیمور را بازداشت کردند. تیمور در بازجویی‌ها جرم خود را انکار کرد، اما بررسی‌ها نشان داد وی عضو همان باند چهار سارقی است که از مدتی قبل به صورت تیم‌های دو و چهار نفره تلفن همراه شهروندان را سرقت می‌کنند.

■ **سرقت زنی با لباس مردانه**

با به دست آمدن این‌ اطلاعات متهم دوباره مورد بازجویی قرار گرفت و این‌بار در ادعایی گفت: «چند سنالی است مغازه موبایل فروشی دارم تا اینکه با دختری به نام شپین دوست شدم و نامزد شدیم. مدتی قبل فیمیدم او سارق است و با لباس مردانه همراه سه سارق دیگر به سرقت می‌رود. وقتی دستش رو شد، به من پیشنهاد داد تلفن‌های سرقتی او را در مغازه‌ام بفروشم. ابتدا قبول نکردم. اما بعد تهدید کرد مهریه چند میلیاردی‌اش را به اجرا می‌گذارد و مرا به زندان می‌اندازد و منم هم از ترس قبول کردم موبایل‌های سرقتی او و سه همدستش را بفروشم.»

با ادعای متهم، مأموران شپین را هم بازداشت کردند، اما بررسی‌ها نشان داد متهم وقتی متوجه می‌شود نامزدش قصد جدایی دارد برای انتقام از او به دروغ پای او را به پرونده سرقت باز می‌کند.

بدین ترتیب مأموران دختر جوان را آزاد کردند و متهم را مورد بازجویی فین قرار دادند. متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی با همدستی سه نفر از دوستانش اعتراف کرد. تلاش برای دستگیری سه همدست متهم ادامه دارد.

■ **کینه شتری**

تیمور وقتی موفق به فریب مأموران نشد و مجبور شد همدستانش را لو دهد، در بازجویی‌ها گفت چون از نامزدش کینه به دل داشته می‌خواست او را هم سابقه‌دار کند.

■ **تیمور چرا سرقت‌ها را به گردن نامزدت انداختی؟**

من از او کینه شتری داشتم، می‌خواستم هر طوری شده از او انتقام بگیرم.

چون به خاطر او سرقت می‌کردم، می‌خواستم زودتر پولدار شوم تا از من طلا بنگیرد.

■ **بیشتر توضیح بده؟**

مدتی قبل در یک مهمانی با شپین آشنا شدم. من دانشجوی انصرافی بودم، اما او با گفتیم که دانشجوی انصرافی هستم. برای اینکه کم نیابوم، به او گفتیم دانشجوی دکتری هستم و به دروغ هم ادعا کردم پدرم تاجر است و پولداریم. مدتی از رابطه ما گذشته بود که به هم علاقه پیدا کردیم و به خواستگاری‌اش رفتیم. البته فکر کردم بعد از ازدواج وقتی واقعیت را به او بگویم و بفهمد پولدار نیستم و دانشجوی انصرافی هستم، با من کنار می‌آید. پس از عقد او متوجه شد و من هم برای اینکه پولدار شوم تصمیم گرفتم سرقت کنم.

■ **یعنی اگر پولدار نمی‌شدی، طلاق می‌گرفت؟**

بله، وقتی فیمیدم وضع مالی‌ام خوب نیست درخواست طلاق داد. به خاطر همین هم سرقت‌ها را گردن او انداختم تا سابقه‌دارش کنم.

■ **با دوستان‌چطور آشنا شدی؟**

من مغازه موبایل فروشی دارم و مدتی قبل پسر جوانی موبایل سرقتی را برای فروش به مغازه‌ام آورد. وقتی فیمیدم سود خوبی دارد، خریدم و بعد از آن هم او همیشه برای من موبایل سرقتی می‌آورد تا اینکه با دوستانش آشنا شدم و تصمیم گرفتم خودم نیز با آنها به سرقت بروم.

محوالات

سرویس حوادث۴۰۰۸۵۳۳